

جوادی هم خوست مواضع باشند که به چنین کاری نیندند که " سخت و دشوار نیست ، نامکن است ، تکلیف مردم ما امروز دیگر با رژیم محمد رضا شاه کاملاً روشن است . مردم ما امروز با توجه به هفتادسال تجربه پس از انقلاب مشروطه و بهانه پنجاه سال سلطنت این پدر و پسر و مستختر سی و شش سال سلطنت این جاسوس ، خواستهای دیگری در دستند ، خواستهای غیر از قانون اساسی که شما انجمنه بدهد آن یکجمله منکبند و میخواستید با آن سلطنت را بچیند مشروطان- را به مردم ما حق کنید . قانون اساسی با حفظ نظام سلطنت ، مال هفتاد سال پیش بود ، در کشور ما از آن زمان تا کنون ، نسل گذشته است . امروز دیگر مردم ما هرگونه سلطنت را اگر در هزاران قانون اساسی و مردم و سکن زمین نوشته شده باشند ، نمی خواهند . زمانیکه گفته شد ، راستش در همان زمان انقلاب مشروطه نیز اگر شماری روزوازی ، اما برای زحمتگاران و زحمتبران کشور ما گذشت بود . امروز دیگر مردم ما قانون اساسی دیگری میخواهند بسا موابی در ما ، موابی که تصویب و فویش در حکم خیانت به همه جنبه های هفتاد ساله گذشته نباشد . طبقه کارگر و توده دهقانان ما آنچه از سیموزی و خانه خرابی باید از دست این رژیم بکشند گذشته اند . خرده روزوازی شهری ایران طی سالهای انقلاب سفید ، رنجمن زیر پای سرمایه داران دلال کوبیده شده ، و به بیگمستی کشانده شده که هرگز بیاد نماند . شته ، روشنفکران ما چنان تروی ر طی این سالها تحمل کرده اند که در تاریخ سابقه نداشته و نماند . بندگان این طبقات و اقشار خلق ، از سازمانهای کمونیستی تا گروهها و سازمانهای ملی و مذهبی و غیره همه امروز یک کلام سرنگونی رژیم را خواستارند . و این اولین خواست دموکراتیک و انقلابی مردم ماست برچیده شدن بساط سلطنت در ایران . دموکراتهای ایران در اینجا با طبعین لیبرال اختلاف دارند . اختلاف بر سر ترمیم این دستگاه میا برچیده شد . و این نخستین باره از اولین مسئله مورد بحث ما بسود .

بهرینشان ، خواست روزوازی شماری هفتاد سال پیش ایران را شگش میکند . زمانی که قنود البسیم قرن وسطای بر همدجای وطن ما حاکم بود ، آمدند . ترین نیروی روشنگری روزوازی تازه پای جنبه شهر بزرگ بود ، از طبقه کارگر و جنبش کارگری مبرج نبود . و . . . و حال ما در زمانی هستیم که یکی از تغییرات " جزئی " است نسبت به آن زمان . امروز ، یک طبقه کارگر سه میلیون در جامعه ماست ، بنا براین اساس خواستی که آن زمان مرفی و انقلابی بود ، این هزارا امروز هم مرفی و انقلابی نیست ، چرا که گذشته است . زمان همه چیز را با خود درگزن میکند و هیچ چیز لا یشیر نیست . رژیم سلطنت غده جریگن و قانسی که قیلا شناس ختمیند ، گنیم نابود ساختن اولین خواست نیروها دموکرات ایرانی است ، جزئی از قانون اساسی است . و آنهاست که پاسداری از قانون اساسی را وظیفه خود میمانند ، باید بدانند که از نظام پادشاهی هم باید پاسداری کنند . منتها از مشروطان که خیالی پیش نیست - و در اینجا بنا با نیروهای دموکرات ایران اختلاف مییابند . به عبارت دیگر اگر بگوئیم ، آنهاست که خواستار دموکراسی واقعی هستند آزادی مبارزه برای برچیدن بساط سلطنت را نیز از جمله آزادیهای خود میدانند ، آنگاه از آن آزادیها خواهیم شنید که : ما این آزادی را برای ختمنا برسمت دیکتاتوری میماند ، چرا که این آزادی شما تجاوز است به قانون اساسی ما ، قانون اساسی مقدس و لا یشیر " نظام شاهی را دور از دسترس باری - هت ها و گزسته ها قرار داده ، و ما هم پاسدار آیم . پس میبینیم که پسین درک انقلابیون یا لیبرالها از آزادی تفاوت هست . هنوز آغاز کار است و آقای حاج سید جوادی دها باز به دانشجویان مبارز ما اتهام پلیس و سواکی بودن زده اند . که این شعارهای تند و افراطی را سواک و پلیس میدهند . سانه بیانش گنیم یعنی اینکه ایشان به مردم ما حق نمیدهند که ، شعار " مردم هر شاه بدهد . اینان در شرایط ترو و خفاف از آزادی خیلی حرف میزنند ، شاید به همان اندازه انقلابیون ، اما مغبوسان از آزادی چیز دیگری است . آزادی کسی محدود و سرودم بریده و محو سردر چارچوب تنگ منافق طبقاتی خودشان ، و این تازه در مرحله مبارزه است ، و زمانی که خود نیز جزو مخالفین دستگاه هستند .

اما گنیم ، آن بخش محدود و سردم بریدی را نیز که ایستی خواستارن هستند ، بدست نخواهند آورد . چرا که راستی آزادی را با حفظ نظام سلطنتی میخوانند ، و بد تر برایشان یا " فویش کردن سلطه بیگانه بر این کشور هم . و این آیا بدست آمدنی است ؟ چنین اشتغالی در داشتن دیوانگی است . همه آنچه در این هفتاد سال گذشته همی - را نشان میدهد ، مردم و هفتاد سال ، اما عاقبت نشینمور ، و هفتاد سال ، اما عاقبت نشینمور ، و هفتاد سال ، اما عاقبت نشینمور ، و هفتاد سال ، اما عاقبت نشینمور

از ایران قابل تصور هم نیست . تنها یک خیالی باقی بده فرجام و گذشته است . سومین باره از اولین مسئله مورد بحث ، وابستگی مطلق ایران به امریالیسم است . اینهم یکی از عوامل تعیین کننده در بوجود آمدن شرایط امروز در ج - محمه و شاید اصلی ترین عامل است ، که باز همیشه از نظم و زبان بسیاری از سخنگویان ملبین لیبرال میافتد . و بدتر آنکه گاهی از آن در فضای ضعیف می نمود . در ابتدا ی مثال گنیم ، با تغییر رئیس جمهور امریکا ، گروهی تصور کردند ، هرچه در هر گوشه می شود به اشاره انگشت اوست و برخی نیز امید بستند که کارتر کاری برایشان انجام دهد . از جمله ایسن امیدواران ، یکی هم آقای حاج سید جوادی است و اینتر خود به مردم برتنی میگوید . در صفحات ۸۴ تا ۸۵ " نامه " ایشان از جمله چنین میخوانیم " واقعیت این است که ملت ایران از تغییر ریاست جمهوری امریکار ، انتظار تغییر بنیادی در وضع خود نیست " (یعنی در انتظار تغییرات غیر بنیادنا هست) و " . . . طبیعی است که امریکا هرگز دست به تغییراتی بنیادنی که اساس قدرت سیاسی و اقتصادی او را در آن کشور مورد تهدید قرار دهد نخواهد زد ، اما برای پائین آوردن شدت فشار ناشی از استبداد او ، و مخصوصاً فشار مالی که جوشش انقلابی و انفجار او را در قشرهای محروم ملت افزایش خواهد داد ، لایعهای رویی و سطحی قدرت را در رژیمهای مورد حمایت تغییر میدهد . " همچنین اعلامیه های " در آستانه سفر اطلیح حضرت " - برای اطلاع ملت ایران " که این یکی هم در آستانه سفر کارتر صادر شد ، و بهتر بود " برای اطلاع کارتر " عنوان میگرفت ، و مطالب سخت انحرافی و گمراهی که در این دومی آمده ، اینجا همه نشان میدهد که ایشان به کارتر امید بسته بودند . تکه هایی از اعلامیه " برای اطلاع . . . " در نقل می کنیم " عسسال استبداد اکنون در دستند ، از کار آرایش صحنه هاکی هستند که ملت ایران را با ایجاد حوادث تصنعی و آفریده دست خود (یعنی شعارهای ضد امریکائی ، حمله به مؤسسات امریکائی و عوامل آنها . . .) در برابر امریکا قرار دهند . خبر مربوط به تظاهرات هفتاد دانشجویان دانشجو در دانشگاه ورتن و نندرتی بر ضد امریکا دم خروسی است که بدست رژیم برای انحراف افکار مردم امریکا رو میشود . خبری بسیار مضحک هفتاد دانشجو بر سر قهرمانان امریکا فریاد میزنند . به خاندان برگرد و برگرد امریکا را از روی زمین بزنیم بزتاب میزنند و سپس انگشتان خود را بعلامت پیروزی بالا میبرند و وسه ورتنکاران شوروی که در سالن بودند نشان میدهند بخیری گمشدهای از حادثه ای ساختگی ! ! دانشجویان تظاهر کنند طبق این خبر مارکسیتها پس عینند ضد امریکائی که از طرفی مخالفت خود را با شعار ضد امریکائی و برتاب پرچم امریکا بدهد امریکائها نشان میدهند و از طرف دیگر با آوردن انگشتان خود به عنوان پیروزی بطرف ورتنکاران شو - روی علاقه خود را به روسها ابراز میکنند ! ! یعنی اینکه آقایان امریکائها بدانید که سردم ایران با شما مخالف هستند و پرچم شما را پاره میکنند ، و با روسها موافقت آیا این هفتاد نفر ، دانشجوی بودند ؟ یا از زمره همان مابروانی بودند که نقاب بر صورت (بختی از جنایات جماعتیست های رژیم را بر میسرند) و یا بر ضد امریکا و بر علیه انور سادات شعار میدهند ! ! آیا اینها همان مابروانی نیستند که در نقش دانشجویان مارکسیت باید برای تکمیل پرونده ضد امریکائی بودن مردم ایران (چه پرونده سیاها ! ! ! نه ؟) فردا از مقدم کارتر رئیس جمهور امریکا نیز با فریادهای مخالف و در حمله به مؤسسات امریکائی استفسار کنید ؟ ! یعنی از نزدیک به رئیس جمهور امریکا بپنهانند که ملت ایران مخالف امریکاست . و اگر سر این رژیم و قدرت مطلق آن نباشد به همه مناسبات بین المللی و تعهدات جهانی خود پشت یا میزند انتشار این اخبار و حوادث ساختگی ضد امریکائی و شماره های افراطی تحریک آمیز همه و همه محمول است . ایاد رژیم است " و تظاهرات خشمنا علیه امریکا نقشه های پلیسی حکومت است

طالسی که نقل شد ، به در دست تقسیم میشوند یکی دست که امید های ایشان که به زود بریر شد

باز در دوم ، ترو و خفاف حاکم است ، ایسن را نمایندگان روشنگر ملین لیبرال ایران پیش از دیگر ناروانها احساسش میکنند . و پسین دلیل هم هست که خیلی . از آن دم میزنند . پسین دلیل است که هزاران بار از تنون آزادی میگویند و میگویند که که بسیار خوب - اما وابستگی مطلق کشور بیگانه را یکجا از ظلم بیاندازند ، و بدتر گاهی پرده پوشی میکنند . به همین دلیل است که هرچه خواهد هی در باره نبودن آزادی و دموکراسی در نوشته ها و گفته ها نشان مییاب ، اما حتی اشاره ای فرضا به سرکوب شدن انقلاب خلقی برادر بدست ارتش ایران و بدستور امریکا لیم امریکا ، در آنسو مرزهای ایران ، نمی یاب ، بچرا که در اینجا بچمتان بسا اینان بر سر و دست هستند .

۱ - اینکه ، دموکراسی و آزادی را به ان معنائی که دموکراتهای ایران میخواهند ، قبول ندارند ، و حتی سنگ راه آن میشوند ، و این بخاطر حذف منافق طبقه است که به ضد شرطیگم میزنند ، موضع خاکستا و طبقه ایست که به آنها حکم میکند تا اینجا بیشتر نویسد . در آن حدی هم که قبول دارند و در راه کسر با مضحک مبارزه میکنند ، عرب میخورند و سه دستر نخواهند آورد ، و اینهم به این خاطر است که از مسائل درن درستی ندارند و اظهار بطسور غیر سطحی از هم تجریه میکنند . و کلا از دریافت تمام های حاج سید جوادی و همه نمایندگان روشنگر ملین لیبرال در هر مناسبت جدا و جدا فایان اساسی علم میکنند ، و با جواب آن بکسر به رژیم نسبت می زنند و از سر دیگر به دموکراتهای ایران ، همه نوشته ها ، نامه ها ، طوطی است ، از همین و تا یاد بنوا آمد . جز این چیز دیگری ندارند . بنا براین از هیچ حاشیه نقل نسکیم . ایشان بروشی و به کرات میگویند که ما خواستار آزادی هستیم و مبارزه در راه کسب این آزادی را نیز در چارچوب قانون اساسی قبول داریم . ما بارها را از چارچوب قانون اساسی بیرون نمیکاریم ، ما هرگز نیز که سرور سنگر در حالیم ، ما آنچه در مورد قانون اساسی و سرحد نیرو های مختلف به ان گفتی داشته ایم در حقیقت شماره ۱ گفته ایم و در این ما میاری به تکمیل نیست . هشتاد بگوئیم که یابو اساسی خواست بختی از نیروهای انقلابی مشروطه و آنچه نه انقلاب

باز در دست همین مردم ما هستند که در اولین لحظه رهائی " همه مناسبات بین المللی و تعهدات جهانی " این رژیم را زیر پا خواهند گذاشت ، و ایشان هم بهتر است از این باره تصمیمی بکنسی ندهند ، که مردم ما این تخمین و تخمان هارا به پیشی نخواهد خرید .

آقای حاج سید جوادی در اینجا نعل وارونه میزنند . آیا خود ایشان نمیدانند مردم ما طی سالها دراز سلطنت این جاسوس سر سیره و هیچگونه " دراز

داد و تمعیدی، یا هیچ دولتی نیستند اند؟ مردم ما قدرتی داشته‌اند که طرف قرارداد و تعهد بساا دولتی شوند؟ مردم ما نه تنها هیچ قرارداد و تعهد یی را با هیچ دولت خارجی بدست نمایندگان خود امضا نکرده‌اند، حتی از آنچه تعهدات و قرار دادهای هم که بسته شده اطلاق ندرند، فقط یک قلم می‌دانند که حاصل این قرارداد و تعهدات، فروزنگام استقلال ایران بوده است. و آیا آقای حاج سید جواد میرزا خانی بدست نمایندگان خود قراردادهای تعهدات ملت ایران بوده‌اند؟ این نمایندگان تعهدات چیست؟ در آنها قرارداد نظامی و سیاسی و اقتصادی اسارتبار و ایران بسر باد در ایامیرالیستها. انداختن نفت ایران به قبائل امیرالیست خونخوار جهانی و در راستی سوسیالیسم آمریکا. گرفتن نفت زاندر ایامیرالیستها در منطقه، هیدرالی کردن از نریک به چهل هزار سمنار نظامی با آن حقوق و مزایای سرمام آورده تحمل غایت و جیالور بیش از سیصد شرکت استعمارگر آمریکائی در ایران، قربانی کردن صدها جوان وطن ما در پای صنایع امیرالیستهای جنگشای ضد انقلابی در کوشه و کنار جهان، هیرون کشیدن لقمه نان خشک مردم ما از گویوشان بعنوان مالیات و عوارض و جریمه و . . . و دولتی تقدیم کردن میلیارد میلیارد دلار به مزدوران بیوطن خود، فروختن چوب سادات، به اشاره انگشت آمریکا و . . . گمان کنید مردم مسابری که لحظه آزادانه یک نمونه از اینها را می‌بینند و به آن کردن مینهند؟ هرکس چنین فکر کند، بسک احق بنام معنات، مردم ما زیر همه این قراردادها خواهند زد. همه آن ترکشها را ملی خواهند کسرد همه آن مستشارها را بیرون خواهند ریخت و همه قرار و تدارهای مخفی و آشکار دربار ننگین پهلوی بساا ایران و هم آخوهایش را بخی غیر قانونی اعلام خواهند کرد. اینها همه کارهایی است که مردم مسابرو خواهند کرد، و به آن افتخار نیز خواهند کرد، و سا آن به تمام خلقهای ستمزده جهان نیز گفته خواهند کرد. و اینها به کار پلیس محضرشانهای است!

اما ما معتقدیم آنچه آقای حاج سید جواد یی را به این هجوگوشهای حیثیت‌برداره واداشته است، نه وابستگی بکسیسه دم بین بودن ایشان و افتادن بدنیال صنایع آبی و سبیل الوصل است. ایشان فکر کرده اند که کارزار است می‌تواند با "فشار مرمضه" "آزادی" هائی را که ایشان میخواهند، برایشان بکورد. مردم ما با مبارزه و ره فهم وسیله را توضیح می‌کند، رینا براین باطلی و همین هم هست کسه میبینم همه این خرمنجات و روز پیش از سفر کارتر به ایران و در افتادیم "برای اطلاع (ملت ایران، نسف) کارتر" می‌آید.

فلا کنیم که آقای حاج سید جواد یی در پارلمنتی بوار دست به گذاشته خودپس رفتاری کرده‌اند بدترینش را اینجا میشود دید. ایشان دهسالگی پیش می‌نویسند که "مردم اروپا با قدرتهای خارجی و سرمایه های خارجی و سیاست خارجی و خلاصه کلام با استعمار و استثمار خارجی رو برو نبودند. ولی در بسیاری از کشورهای آسیا و آفریقا و امریکا لاتین استقلال هنوز سربوئی برای امیرالیست جدید است (منتظرشان استعمار جدید است) " ص ۲۲ اروپا (ارزشها) و با می‌نویسند: "اگر دولتمداری در امریکا در جریان بین تحول دائمی قرار داشته و ترس سیاسی و اقتصادی آن بصورت ثنونی در نیامد، هرگز مجموع شرایط زندگی ملت امریکا و بسک ملیون سباهویت فقیر آن تحت الشعاع مصلحت انتخاباتی سیاستمداران ملیونتر و زبیرالهی عمو ترکشهای بزرگ قرار نمیگرفت و با این واقعیت توجه کنید که اگر بنا باشد موفقیت انتخاباتی جانسون در ۱۹۶۸ در کرو زبوزیر کردن و ستار و وزیران کردن سدها و مد ارس و جاده ها و کشتزارها و کارخانه های وینتام شمالی بانسیسد دستگاه سیاسی امریکا لفظهای در امرای ایسن انهد ام خود داری نمیشد. رومی صنایع کیانسی می‌باشد. فروت در کواتا، به خطر می افتد یا فاصله حیثت لبرال آن کشور سرنگین میشود. . . . (ص ۲۱ اروپا ارزشها)

آدمی که زمانی جنس مبارزه امریکا می‌نویسند، حال به نوشته های کارتر، نماینده همین امیرالیست جهانبور و صدشتر برای "آزادی های قانونی"

فلا کنیم که آقای حاج سید جواد یی در پارلمنتی بوار دست به گذاشته خودپس رفتاری کرده‌اند بدترینش را اینجا میشود دید. ایشان دهسالگی پیش می‌نویسند که "مردم اروپا با قدرتهای خارجی و سرمایه های خارجی و سیاست خارجی و خلاصه کلام با استعمار و استثمار خارجی رو برو نبودند. ولی در بسیاری از کشورهای آسیا و آفریقا و امریکا لاتین استقلال هنوز سربوئی برای امیرالیست جدید است (منتظرشان استعمار جدید است) " ص ۲۲ اروپا (ارزشها) و با می‌نویسند: "اگر دولتمداری در امریکا در جریان بین تحول دائمی قرار داشته و ترس سیاسی و اقتصادی آن بصورت ثنونی در نیامد، هرگز مجموع شرایط زندگی ملت امریکا و بسک ملیون سباهویت فقیر آن تحت الشعاع مصلحت انتخاباتی سیاستمداران ملیونتر و زبیرالهی عمو ترکشهای بزرگ قرار نمیگرفت و با این واقعیت توجه کنید که اگر بنا باشد موفقیت انتخاباتی جانسون در ۱۹۶۸ در کرو زبوزیر کردن و ستار و وزیران کردن سدها و مد ارس و جاده ها و کشتزارها و کارخانه های وینتام شمالی بانسیسد دستگاه سیاسی امریکا لفظهای در امرای ایسن انهد ام خود داری نمیشد. رومی صنایع کیانسی می‌باشد. فروت در کواتا، به خطر می افتد یا فاصله حیثت لبرال آن کشور سرنگین میشود. . . . (ص ۲۱ اروپا ارزشها)

آدمی که زمانی جنس مبارزه امریکا می‌نویسند، حال به نوشته های کارتر، نماینده همین امیرالیست جهانبور و صدشتر برای "آزادی های قانونی"

فلا کنیم که آقای حاج سید جواد یی در پارلمنتی بوار دست به گذاشته خودپس رفتاری کرده‌اند بدترینش را اینجا میشود دید. ایشان دهسالگی پیش می‌نویسند که "مردم اروپا با قدرتهای خارجی و سرمایه های خارجی و سیاست خارجی و خلاصه کلام با استعمار و استثمار خارجی رو برو نبودند. ولی در بسیاری از کشورهای آسیا و آفریقا و امریکا لاتین استقلال هنوز سربوئی برای امیرالیست جدید است (منتظرشان استعمار جدید است) " ص ۲۲ اروپا (ارزشها) و با می‌نویسند: "اگر دولتمداری در امریکا در جریان بین تحول دائمی قرار داشته و ترس سیاسی و اقتصادی آن بصورت ثنونی در نیامد، هرگز مجموع شرایط زندگی ملت امریکا و بسک ملیون سباهویت فقیر آن تحت الشعاع مصلحت انتخاباتی سیاستمداران ملیونتر و زبیرالهی عمو ترکشهای بزرگ قرار نمیگرفت و با این واقعیت توجه کنید که اگر بنا باشد موفقیت انتخاباتی جانسون در ۱۹۶۸ در کرو زبوزیر کردن و ستار و وزیران کردن سدها و مد ارس و جاده ها و کشتزارها و کارخانه های وینتام شمالی بانسیسد دستگاه سیاسی امریکا لفظهای در امرای ایسن انهد ام خود داری نمیشد. رومی صنایع کیانسی می‌باشد. فروت در کواتا، به خطر می افتد یا فاصله حیثت لبرال آن کشور سرنگین میشود. . . . (ص ۲۱ اروپا ارزشها)

یادداشت‌هایی درباره...

بهبود نظامی در حاکمیت نظامی در صحرای اوکسان...

روزبونه‌پستی‌ها کمیته مرکزی چگونه...

پارهای تجار در...

ITL PO BOX 1148 2600 Aarhus, N. Denmark.

حق‌تقت رابخواوند و در میان مردم پخش کنید

بیاد رفیق... کارخانه بافکار نقش داشت...

مطلبی که از بهترین دلایل کمبود برق...

کمیونیت - نشریه شوریک - سیاسی اتحادیه...

Advertisement for ITL with contact information and logo.

چگونه به مسئله دهقانان و کشاورزی ایران برخورد میکنند؟

"دینا"، "نشریه" سیاسی و شورویک کمیته مرکزی روزیونیتسهای "حزب توده" ایران، در هشتمین شماره اخیر خود (آبانماه ۱۳۵۶) مقاله‌ای دربارۀ مسائل و معضلات دهقانان و کشاورزی ایران نوشته است که جالب توجه است. مقاله یاد شده زیرعنوان "عوامل سبب رشد کشاورزی در کشور ما و ترانزاسه" سیاست ضد ملی رژیم در این زمینه " همچون گذشته انتشار آن سیاست فرصت طلبانه بورژوازی ایرانی و ضد انقلابی است که روزیونیتسهای کمیته مرکزی در برخورد به "اصلاحات ارضی" و اقدامات زیرزمینی - ملاًکی - دولتی شاه در روستای ایران چهارده سال - لست پیش گرفته اند.

برغم نویسنده، روزیونیتس این مقاله گویا "شرایط عینی سبب" برای بهبود وضع دهقانان و رشد کشاورزی ایران در سالهای اخیر بوجود آمده بوده است و تنها کافی بود رژیم مصلحت طلبانه "سیاست دولتی تشویق کننده" و یا حداقل "سیاست بیطرفانه"ی در برخورد به این شرایط در پیش میگرفت تا همه چیز بر روال مطلوب خود قرار میگرفت. نویسنده برای اثبات حکم احقانه خود مبتنی بر اینکه گویا تحت نظام ارضی موجود و دولت یاسندار آن میتوانست شرایط مساعدی برای بهبود وضع دهقانان و رشد کشاورزی بوجود آید، به "دو گروه عوامل مساعد" اشاره میکند، که گویا "تخلیق آنها" حتی بدون اینکه سیاست دولتی تشویق کننده آن باشد، بخودی خود و بطور طبیعی میساخته، به تنگنای کم و بیش کشاورزی ایران در سالهای گذشته بیانجامد (ص ۱۳).
مقاله نویسنده، "دینا" از "دو گروه عوامل مساعد" که از قرار "شرایط" و "امکانات مساعدی" را برای دهقان و ده وجود آورده اند، اینها هستند: یکم، "افزایش چشمگیری درآمدها نفت از سال ۱۳۵۰ بعد از ارتقا سطح درآمد ملی و سرانه در دهه اخیر - فزونی سگته، شیرها و تعداد ناقلین در بخشهای صنعت و خدمات، عوامل مساعدی برای رشد کشاورزی ایران بود. دوم، "تعمیرات درونی ده ایران نیز در سالهای پس از اصلاحات ارضی موجب گشتن زمین قابل ملاحظه‌ای برای تسریع رشد کشاورزی و بهبود وضع روستائیان فراهم آورده بود. رهایی زارگان از بیوع رژیم آریاب - رضینی، تقسیم و فروش ارضی نژادتی به قشر بافقیه وسیعی از تولیدکنندگان و بالاخره جمع نزدیکی به ۲/۵ میلیون خانوار روستائیان - خوشکلی تعاونی روستایی" نیز نویسنده خود عوامل مؤثری برای رشد و توسعه کشاورزی ایران بشمار میآورد. (ص ۱۳)

روزیونیتس بیچاره ما، که هنوز برادری را ثابت نگرد، صحت ارث و میراث میکند، درک نمیکند. این درامد نفت، امکانات مالی و ارزی وغیره در دست حکومت ایران، مادامیکه در نظام ارضی روستا تقسیمات ریشهای بوجود نیامده و نیروهای مولده از تار و پند پیچیده‌های از روابط کهن و نو مالکیتهای بزرگ ارضی و خرده ریز دهقانی آزاد نشده، نمیتواند آنقدر ارضی را بفرم روستایی ایجاد کند. یکسری از ویژگیهای استدلال روزیونیتس تجزیه واقعیت به اجزائی بی‌ربط باهم و برخورد انتزاعی به پدیده هاست. آنان از این گفتگو میکنند که گویا مثلا پرسول نفت در دست دولت ایران عامل مؤثری در درگرفتن ریشهای اوضاع روستا و کشاورزی ایران میباشند. حال آنکه درگرفتن ریشهای در اوضاع روستا و کشاورزی ایران خود در گرو درگرفتن ریشهای در دولت و نظام تحت الحفظ آن در روستای ایران است و ربطی به افزایش و کاهش درآمدها و نفت و مانند آن ندارد. در واقع همین افزایش چشمگیر درآمدهای نفتی در اواخر سال ۱۳۵۰ بعد از امکان و حامل مساعدی عدی برای رژیم ملاکان و دلالان پهلوی شد که از دعاوی خود راجع به پرداختن به رفع عقب ماندگی روستا و بورژوازی پیش از پیش دوری گرفتند و با دلاریهای بادآورده در جمع جانت کردند، چنانکه درهای گمرکی کشور را از همان سال بعد از هر سو گشودند. بورژوازی متوسط را که در مسازری و روحیات صدنوده‌های و میمالش از انقلاب به اندازه کافی طی سالهای "انقلاب سفید" گذاشتی سود جسته بودند و همچنین صاحبان صنایع نسبتاً بزرگ، داخلی را، با خوارگی از خود راندند و اخصاص و سیاست کشور به صحنه ناخاک و ناز افسار گسیخته واردوسته طمع و خودگمانه شاه تبدیل شد.

از تلاش های غارتگرانه رژیم شاه زیر نام "تعاونت روستائی" تحت عنوان "جنبش تعاونی" یاد میکند که گویا "رشد" این "جنبش" گذاشتی با "بهره" یز اکثریت قاطع کمیته روستای ایران "مرسوم" بوده و گویا اکنون شاه و حکومت او این "جنبش" را "فراموشی" سپرده به "اخلال در امر آن" برخاسته اند. شاه و حکومت او در کار تعاونیهای کدائی که خود آفریده و بر دهقان تحمیل کرده اند "اخلال" میکند! جلوی "رشد جنبش تعاونی" را میگردد! با مزه است! خیر، به خفاقت و بدجنسی است! چگونه بهتر از این میتوان با قیافه‌ای حق بجانب به مدافسان دروغ تراش اقدامات حکومت ملاکسان بورژوازی را بخار و پهلوی تبدیل شد و غمگسارتر از مادر بر سر بچه به نزاع پرداخت.

ویژگی نظریه روزیونیتس درباره دولت انتزاع دولت از جوهر طبقاتی آنست و برخورد بدان نه بعنوان افراد قهر و غلبه، بلکه هر جامعه بلکه بعنوان یک میانجی بین طبقات و مددکار حال حاضر با اصطلاح عالی، جامعه بطور کلی است، که گاه از وظایف خود عدول کرده و با اصطلاح روشن شصتفانه پیش نمی‌گردد. همه روزیونیتسها از برنشتن گرفته تا غروشیف و برزف و دنباله روانشان، از جمله روزیونیتسهای کمیته مرکزی، به دولت و دستگاه دولتی همینگونه برخورد کرده و میکنند. نظریه روزیونیتس درباره دولت و برخوردی که مبتنی بر این نظریه است تزویجست که بر سازش طبقاتی ریزویو - نیتسها با بورژوازی و طبقات استوارتر و بر خیانت آنان به طبقه کارگر و توده‌های محروم جامعه باید سایه افکند. آترا بپوشاند. برخورد روزیونیتسها با کمیته مرکزی به دولت ایران، که از قهر و غلبه طبقه بورژوازی ملک و وسیله پاسداری و پیگیری ستان این طبقه و تشریک مسایها و دولتی هسایان برای امپریالیسم است، از همین قماش میباشند. همینگونه است در مسئله ارضی و دهقانی و مسایه های رژیم حاکم در روستای ایران.

بقیه در صفحه ۸

پایه‌های تجارب در تاریخ حزب ما

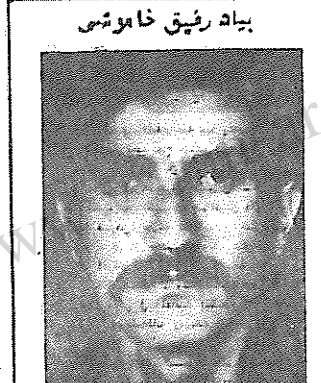
۳ مه‌ماه ۱۳۳۵ (۲۵ سالگی کسبه هون)
(بخشی از یک گفتگو با نمایندگان برخی از احزاب کمونیست آمریکای لاتین)
* * * * *
(دنباله از شماره پیشین)

در کشورهای که تحت ستم امپریالیستی اند در نوع بورژوازی وجود دارد - بورژوازی ملی و بورژوازی کیرا - دور، آری این نوع بورژوازی در کشورهای شمایجورد دارند؟ احتمالاً آری.

بورژوازی کیرا در همیشه یک سگ زنجیری امپریال - لیسم و یک آماج انقلاب است، گروه‌های مختلف بورژوازی از کیرا بوریه گروه‌های گرویه دارا محاصره کشور - های امپریالیستی مختلف نظریات است. انگلستان و فرانسه تعلق دارند. در مبارزه علیه گروه‌های کیرا - دوری گوناگون لزمت تضاد های میان کشورهای امپریالیستی بهره برداری شود، نخست با یکی از آنها درگیر شده به دشمن بلا واسطه، عده ضربه زده شود. مثلا در گذشته بورژوازی کیرا در چین از گروه‌های حساس هوان ارانگیس، هوان ارانگیا و هوان ارانگین تشکیل میشد، ماطی جنگ مقاومت علیه زاین تضاد میان انگلستان و آمریکا از یکسو و زاین از سوی دیگر بهره - برداری کرده، اول تجار و کارگران را زین گروه کیرا دوری وابسته به آنها را سرکوب کردیم. سپس برکتیم برای ضربه وارد ساختن بورژوازی تجار و کارگران امپریالیستی و انگلیسی و این کشیدن گروه‌های کیرا دوری هوان ار آمریکا و دار انگلیس، طبقه ملاک نیز از بخشهای مختلف تشکیل شده است. از جمله ترین ملاکسان تعداد اندکی اند، و آنهاست که مسیون پرست و طرفدار بیگانه امپریالیسم میباشند، نباید هنگام ضربه کوشش با آن یکی ها یکجا کرده شوند. بخلاف زمانی باید میان ملاکان بزرگ و کوچک که کرده شود، در یک زمان بسر دشمنان مبارزه برینگیذیم. برترند امپریالیستی عرصه کویده، و بعضی در مورد ملاکان بزرگ، ضربه وارد آنها بر منشی ازجمله ترینشان وارد سازید. ضربه کوشش بر ده ممکن است خیلی انتقادی بنظر برسد، ولی در واقع زمان مژگی را بسیار میآورد.

بورژوازی ملی طی طرف دعوی ماست. ضرب المثل آبیانه از درین وجود دارد، یعنی برای یکده - ظرفین دعوا میشه بهم برسونه یا نه تجربه انقلاب چین این است که در سرکوب کردن آنرا در بورژوازی ملی احتیاط لازمست. در حالیکه اقتصاد طبقه کارگر است، صد امپریالیسم نیز میباشند. تجربه اینکه وظیفه عده ما مایکسار یا امپریالیسم رشود امپریالیسم بوده و رهایی مردم کوسا است. یعنی اینکه دو دشمن میاننده ما باید سپهری میشه بورژوازی ملی را به یکطرف امپریالیسم جلب کنیم. بورژوازی ملی به یکطرف امپریالیسم در پیغه سبب زیرا بنده در فترده این باقیست، ملاک دارد علاوه بر آن، او را کارگران مشغول نمایند. شعار میشه، بهما اوج ماساید طبقه آن سازید کنیم، رای برای آنکه او را برای بیوسن شعار ریزگار میشه امپریالیسم جلب کنیم، باید به این چه زمانه مبارزه را میدونه. سازیم، پیش سازیم، باید سر زده شود، مبارزه بزرگ، باید زمینه های بروقی برای دست زدن به مبارزه داشته باشیم. از بورژوازی دشمن با نسیم و در رانگید این زمانیکه میزان مناسی از بورژوازی بدست آمده است، از این سوست ضرورت پرداختن به بررسی و تحقیق در شرایط هر دو طرف، تشترایط کارگران و شرایط سرمایه داران را، در رهنروا همسود را بناسیم و نه سرمایه داران را، چنانچه ماندها کارگران ما این یکی ها و او را گفتگو شویم، از این لحاظ، همچنین، بررسی و تحقیق موارد نمونه، یا تشریح یک پیاد و

بقیه در صفحه ۸



بیاض رفیق خاموشی

اخیرا در مجله "ایران الجاهیر" (شباط ۷۸)، خیر اصومساری مبتنی بر شهادت رفیق مرضی خاموشی (اسماعیل)، عضو برجسته سازمان مجاهدین خلق ایران، انتشار یافته است. شهید مرضی خاموشی یکی از مبارزان صدیق راه انقلاب در ایران و از فرزندندان پاکباز خلق قهرمانیزور ما بود. وی بسال ۱۳۳۰ (۱۹۵۱) در خانواده‌های میانحال در تهران بد - نیا آمد و بسال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) جهت ادامه تحصیلات عالی به ایالات متحده رفت. مرضی خاموشی در آمریکا به انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی پیوست و چندی در آن فعالیت میداشت، و در اواخر سال ۱۳۵۰ (اوایل ۱۹۷۲) نیز به عضویت سازمان مجاهدین خلق ایران درآمد. رفیق شهید از اعضای صدیق این سازمان بود و هم در زمینه تئوری و هم در زمینه عمل نقش پیشرو و خلاق داشت و در کار خود جدی و دارای روحیه‌ای عالی بود. او نقسنس فعالی در مبارزه اولد یوزیونیتی سازمان خویش ایفا - کرد.

رفیق مرضی خاموشی مدت مدیدی در ارتباط نزدیک با انقلابیون فلسطین و قطار بسم میرید و بسا آنان همکاری میداشت. وی در اواخر سال ۱۳۵۴ (اوایل ۱۹۷۶) نهایتاً به ایران بازگشت و در بخش فعالیت کارگری سازمان خویش یا جدی به فعالیت پرداخت و از جمله در برپا کردن انجمن کارگران

بقیه در صفحه ۸

مسئله ارضی در ایران و ...
آب) و نیز از کلبه خواستهای دهقانان در برابر ملاکان، را بخار و پهلوی امپریالیستی میباشند و در شرایط رشد و بسط جنبش دهقانی راه تشکیل انجمنهای دهقانی و بدست خود گرفتن اصلاحات ارضی را تحت رهبری بورژوازی روستا و با اتکا به دهقانان فقیر و قوام سازمانی آنها بیش نمهند. هر چه غیر از این طرح کردن در زمان حال باوه گویی و تخلیص محض است، که هم میتواند وهم نمیتواند درست از آب درآید.

* * * * *